



نگاه نظام سرمایه‌داری در نفی حضور و دخالت خداوند در میان یهود سابقه دارد

اقتصاد سرمایه‌داری لیبرال که در متن فلسفی نفی حضور و دخالت خداوند شکل گرفته و از عدم حضور و دخالت خداوند در این جهان سخن می‌گوید، نگاه تازه‌ای نیست؛ این نگاه متعلق به یهود بوده و در قرآن کریم (مائده/64) به این مطلب تصریح شده است.

اقتصاد سرمایه‌داری لیبرال که در متن فلسفی نفی حضور و دخالت خداوند شکل گرفته و از عدم حضور و دخالت خداوند در این جهان سخن می‌گوید، نگاه تازه‌ای نیست؛ این نگاه متعلق به یهود بوده و در قرآن کریم (مائده/64) به این مطلب تصریح شده است.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، حجت‌الاسلام و المسلمین سیدحسین میرمعزی، عضو شورای عالی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، در دومین جلسه از سلسله جلسات نظریه‌پردازی در حوزه اقتصاد اسلامی با عنوان «&171؛نظام اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم» با موضوع «&171؛مبانی فلسفی نظام اقتصادی اسلام از دیدگاه قرآن کریم»، که روز دوشنبه 18 اردیبهشت‌ماه، در سالن کنفرانس سازمان فعالیت‌های قرآنی کشور برگزار شد، به تبیین تطبیقی مبانی فلسفی نظام اقتصادی اسلام و نظام اقتصادی غرب (نظام‌های اقتصادی سوسیالیستی و به‌ویژه سرمایه‌داری) پرداخت.

وی با بیان این‌که اقتصاد سرمایه‌داری در متن فلسفی نفی حضور و دخالت خداوند شکل گرفت، در تبیین مبانی فلسفی نظام اقتصادی اسلام از دیدگاه قرآن، به تشریح مبحث «&171؛خدانشناسی و اقتصاد» پرداخت و با استفاده از آیات قرآن، برخی از صفات خداوند را که بیش از دیگران با نظام اقتصادی اسلام مرتبطند - مانند خالق، محیی، مالک، ملک، رب، حفیظ، محیط، قیوم، فعال مایشاء (فعال لما یزید)، هادی، عادل، ولی و هادی و رزاق را در تطبیق مبانی نظام اقتصادی لیبرال سرمایه‌داری مورد بررسی قرار داد.

حجت‌الاسلام در بخشی از سخنان خود به تشریح معانی صفت عدالت درباره خداوند پرداخت و گفت: معنای نخست این صفت درباره خداوند آن است که خداوند این عالم را موزون، نظام‌مند و کامل آفریده و هرچیزی را در جایی که باید باشد، قرار داده است و دومین معنای این صفت درباره خداوند، عدالت تکوینی و افاضه وجود براساس قابلیت‌ها است و ظهور و بروز این عدالت در دین از ناحیه خداوند، به صورت اهمیت دادن به عدالت اجتماعی به عنوان یک هدف اساسی برای نظام‌های اجتماعی است که به سمت سعادت خود حرکت کنند.

&171؛رشد عدالت محور» یا «&171؛عدالت همراه با رشد»؛ هدف نظام اقتصادی اسلام

این مدرس حوزه و دانشگاه خاطرنشان کرد: تفاوت ما با نظام سرمایه‌داری در این است که در نظام سرمایه‌داری هدف نخست رشد تولید و ثروت است و سردمداران این نظریه معتقدند که عدالت در گردش نظام خود حاصل می‌شود. در نظام اقتصادی اسلام چنین رویکردی وجود ندارد و آنچه که ما باید اولاً و بالذات به فکر آن باشیم و برای آن برنامه‌ریزی کنیم، عدالت است و نظام اقتصادی اسلام بدون عدالت بی‌روح است.

عضو شورای عالی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت با بیان این‌که در نظام اقتصادی اسلام عدالت هدف نخست و رشد هدف دوم است، افزود: اگر این رشد در خدمت عدالت باشد، هدف است و رشدی که موجب تمرکز ثروت در دست عده‌ای خاص شود، هدف نظام اقتصادی اسلام نیست.

وی خاطرنشان کرد: اکنون دنیا نیز از سرمایه‌داری فاصله گرفته و اکنون بحث عدالت در ادبیات علمی متعارف مخصوصاً در ادبیات توسعه جایگاه و اهمیت بالایی یافته است و کم به جای رشد، هدف را «&171؛رشد عدالت محور» یا «&171؛عدالت همراه با رشد» قرار داده‌اند؛ بنابراین هدف نظام اقتصادی اسلام، عدالت با رشد و رشد عدالت‌محور است و رشد به تنهایی نمی‌تواند هدف باشد.

ما می‌گوییم که عوامل رزق تنها در عوامل مادی خلاصه نمی‌شوند؛ بلکه عوامل مجردی نیز وجود دارند که خداوند به وسیله وحی آنها را برای ما بیان کرده و ما انسان‌ها بر اساس این نگاه مادی، فقط اسباب و مسببات مادی رزق را می‌بینیم و محاسباتمان نیز بر مبنای همان‌ها است؛ در حالی که علل و ابواب دیگری نیز وجود دارند

خداوند «&171؛ولی» همه انسان‌ها و موجودات است

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، در بررسی برخی دیگر از صفات خداوند در ارتباط با انسان‌ها گفت: خداوند

«#171؛ همه انسان‌ها و موجودات است: «#171؛ أَنْ اللَّهَ لَهُ مَلَكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ؛ فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست و شما جز خدا سرور و یاورى ندارید»(بقره/107).

وى در توضیح این مطلب اضافه کرد: سرپرست و ولّی انسانها اولاً و بالذات خداوند متعال است؛ بنابراین چند مطلب مى‌تواند برای مبنا باشد. یکى آنکه اگر شرع چیزى را گفت، مردم دیگر حق اظهار نظر ندارند؛ ولّی شما خداوند متعال است و خداوند چنین فرموده است و باید اطاعت کرد.

حجت‌الاسلام میرمعزى افزود: همین طور وقتى که گفته مى‌شود سرپرست مردم خداست، پس دولت ابتدائاً هیچ‌کاره است و باذن الله مى‌تواند سرپرستى و حاکمیت را نسبت به انسان‌ها اعمال کند؛ بنابر این خداوند ولّی است: «#171؛ مَا لَهُمْ مِّنْ دُونِهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا؛ برای آنان یاورى جز او نیست و هیچ کس را در فرمانروایی خود شریک نمى‌گیرد»(کهف/26).

عضو شورای عالی الگوی اسلامى - ایرانی پیشرفت تشریح کرد: خداوند شریک ندارد که در عرض او کس دیگرى نیز حکم کند؛ حاکم یکى است و او هم خداست و دیگران اگر حکم مى‌کنند، اگر باذن الله باشد، در محدوده‌ای که خداوند به آنان اجازه داده، حاکم مى‌شوند و حاکمیت آنها در طول حاکمیت خداوند است و نه در عرض این حاکمیت.

خداوند هادى تشریعى است

حجت‌الاسلام میرمعزى اظهار کرد: خداوند هادى تشریعى است و برای حرکت انسانها به سوى کمال قانون وضع کرده است. خداوند هدایت تشریعى داشته و احکام حرام و حلال را خداوند از طریق پیامبر(ص) و ائمه(ع) جعل کرده است. هدایت تشریعى از جانب خداوند است: «#171؛ هُوَ الَّذِی بَعَثَ فِي الْأُمَمِیْنَ رُسُلًا مِّنْهُمْ یَتْلُو عَلَیْهِمْ آیَاتِهِ وَیُزَکِّیْهِمْ وَیُعَلِّمُهُمُ الْکِتَابَ وَالْحِکْمَةَ وَإِن کَانُوا مِن قَبْلُ لَفِی ضَلَالٍ مُّبِیْنٍ»(جمعه/2).

وى ادامه داد: این آیه بدان معناست که اگر پیامبران نبودند و راه هدایت را نشان نمى‌دادند، انسان‌ها در ضلال مبین بودند و راه هدایت را پیدا نمى‌کردند؛ یعنى انسان نمى‌تواند با عقل خود راه هدایت را پیدا کند و حتماً باید پیامبران(ع) او را هدایت کنند. یکى از راه‌های هدایت پیامبران تشریع است؛ شریعت به معنای راه و تشریع به معنای نشان دادن راه و هدایت کردن است.

حجت‌الاسلام میرمعزى بیان کرد: پیامبران(ع) وظیفه داشتند که مردم را هدایت کنند و از طریق احکامی که از ناحیه خداوند متعال تشریع کردند، این راه را نشان دادند. خود این تشریع قید نظام اقتصادی قرار مى‌گیرد و از همین روست که برای مثال ما ربا و بهره را حرام مى‌دانیم. خداوند این‌گونه ما را هدایت کرده است؛ از همین روست که مى‌گوییم اگر کسى در معامله غش کند، یا غرر و ضرر در معامله باشد، آن معامله باطل است، کم‌فروشى حرام است و... همه این‌ها موجب مى‌شود که ما نظام اقتصادی را به نحو ویژه‌ای سامان دهیم.

نظام سرمایه‌دارى بدون بهره هویتى ندارد

عضو هیئت علمى پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامى افزود: علم اقتصاد غرب (مخصوصاً علم کلان) کاخى از علم است که اگر بهره را از آن بگیریم، فرو خواهد ریخت؛ نظام سرمایه‌دارى بدون بهره هویتى ندارد و خداوند بهره را حرام کرده است: «#171؛ وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَیْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا»(بقره/275).

علم اقتصاد غرب (مخصوصاً علم کلان) کاخى از علم است که اگر بهره را از آن بگیریم، فرو خواهد ریخت؛ نظام سرمایه‌دارى بدون بهره هویتى ندارد و خداوند بهره را حرام کرده است: «#171؛ وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَیْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا»(بقره/275)

خداوند رزاق است

وى رزاق بودن را یکى دیگر از صفات خداوند مرتبط با نظام اقتصادی اسلام دانست و گفت: ما از فرهنگ اسلامى بسیار دوریم و در دانشگاه‌های خود از بس بحث علوم انسانی غربى را تکرار کرده‌ایم که گویا خداوند را نیز فراموش کرده‌ایم. آری، خداوند رزاق است: «#171؛ وَتَرَوْهُ مُنْ تَشَاءُ بِغَیْرِ حِسَابٍ؛ و هر که را خواهی بی‌حساب روزى مى‌دهی.» (آل عمران/27)

نویسنده کتاب «#171؛ نظام اقتصادی اسلام» تصریح کرد: علامه طباطبایى در تفسیر این آیه مى‌فرماید که «#171؛ بغير حساب» به معنای بی‌اندازه و نامحدود نیست؛ بلکه مراد از بی‌حساب در این آیه بی‌عوض است؛ یعنى خداوند به ما روزى مى‌دهد بدون آن که عوضى از ما بخواهد. حال اگر ما بگوییم که ما کار و تلاش مى‌کنیم و خداوند به این سبب به ما روزى مى‌دهد، همین نیروی کار و

تلاش را نیز خداوند به ما اعطا کرده است و ما چیزی نداشته‌ایم تا به خدا بدهیم و خداوند در قبال آن به ما روزی بدهد.

وی افزود: بنابراین روزی که خداوند به ما می‌دهد، نیز بی‌عوض است؛ ولو آن‌که برای آن بسیار زحمت کشیده باشیم؛ چون نیروی آن زحمت را نیز خداوند به ما داده است. پس خداوند بدون حساب به انسانها روزی می‌دهد: «أُولَئِكَ يَرْوُونَ أَنَّ اللَّهَ يَسْطُرُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ» (روم/37)؛ «لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَسْطُرُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ» (شوری/12)

حجت‌الاسلام میرمعزی با بیان این پرسش که اگر خدا روزی‌رسان است، پس دیگر ما چه نیازی به کار و تدبیر و تلاش داریم؟ گفت: زمانی مقام معظم رهبری درباره قضا و قدر در جمع دانشجویان صحبتی کردند و یک مطلب پیچیده را بسیار ساده بیان کرده و فرمودند: قضا و قدر از طریق اسباب و مسببات جریان پیدا می‌کند؛ همچنان‌که در روایات آمده که «لكل شيء سبب» و «إبى الله ان يجرى الامور بغير اسبابها».

توجه به اسباب و عوامل مادی و معنوی رزق

وی تشریح کرد: خداوند قضا و قدر خود را از طریق اسباب و مسبباتی که نظام علی و معلولی جهان ایجاد کرده، جریان می‌دهد و رزق هم از این طریق تقدیر می‌شود؛ جز آن‌که فرق ما با آن‌ها در این است که ما می‌گوییم که عوامل رزق تنها در عوامل مادی خلاصه نمی‌شوند؛ بلکه عوامل مجردی نیز وجود دارند که خداوند به وسیله وحی آنها را برای ما بیان کرده و ما انسان‌ها بر اساس این نگاه مادی، فقط اسباب و مسببات مادی رزق را می‌بینیم و محاسباتمان نیز بر مبنای همان‌ها است؛ در حالی که علل و ابواب دیگری نیز وجود دارند.

تقوا از عوامل معنوی رزق

این محقق و پژوهشگر ادامه داد: خداوند از طریق علل معنوی، گاهی روزی کثیری را به انسانی می‌دهد که در فضای مادی کمتر تلاش کرده است. یکی از اسباب رزق همین است که خداوند در قرآن بدان تصریح کرده است: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (طلاق/2 و 3). هرکس تقوای الهی داشته باشد و گناه نکند، خداوند متعال برای او از بن‌بست‌های زندگی راه خروج باز می‌کند و به او از جایی که توقع نداشت و به محاسبات عقلی مادی‌اش خطور نمی‌کرد، روزی می‌دهد.

عضو شورای عالی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در بخش دیگری از سخنان خود اظهار کرد: در حالات رجعی خیاط گفته‌اند که فردی در بازار تهران چلوکبابی داشته و اوضاعش بسیار روبه راه بوده است. بعد از مدتی به یک‌باره کار و کاسبی او کساد می‌شود. وی با خود می‌اندیشد که داخل و خارج این مغازه اتفاق خاصی نیفتاده و اسباب مادی (روغن، برنج، کارگر،...) وی همان است، اما روزی او بسیار کم شده است.

این محقق و پژوهشگر اضافه کرد: وی را به نزد رجعی خیاط هدایت می‌کنند؛ رجعی به وی می‌گوید که برو و ببیندیشد که چه گناهی مرتکب شده است. اگر این فرد پیش یکی از اقتصاددان‌های امروزی می‌رفت چه راه حلی در پیش پای او می‌نهادند؟! او شب تا صبح به فکر می‌رود و صبح پیش رجعی خیاط آمده و می‌گوید که هرچه اندیشیدم، گناه عمده‌ای مرتکب نشده‌ام، الا این‌که یک‌بار فقیری به در مغازه آمد و از ما طلب غذا کرد و ما او را رد کرده و گفتیم که برو که خدا روزیت را جای دیگر حواله کند! رجعی گفته بود که رزقت به سبب این عمل از ناحیه خداوند متعال بسته شده است و در صورت یافتن آن فقر و جلب رضایت او رزقت دیگر بار گشوده خواهد شد؛ روزی رسان خداست و البته یکی از مقدمات آن تلاش و تدبیر است، اما همه سخن این نیست.

ما از فرهنگ اسلامی بسیار دوریم و در دانشگاه‌های خود از بس بحث علوم انسانی غربی را تکرار کرده‌ایم که گویا خداوند را نیز فراموش کرده‌ایم. آری، خداوند رزاق است: «وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» و هر که را خواهی بی‌حساب روزی می‌دهی» (آل عمران/27)

نماز شب، صله رحم، صدقه؛ از اسباب معنوی رزق

وی بیان کرد: در روایات آمده که اعمالی مانند خواندن نماز شب و صله رحم روزی را زیاد می‌کند. فقیری به نزد امام معصوم (ع) رفت و عرض کرد که من فقیرم چه کنم؟ امام (ره) وی را فرمود تا برای گشایش رزق و برطرف شدن فقر، صدقه بدهد؛ چراکه صدقه باب رحمت الهی را بر روی انسان می‌گشاید. این نگاه به خداوند متعال و حضورش در زندگی ما در این جهان اقتضاء می‌کند تا ما نظام اقتصادی دیگری داشته باشیم.

حجت‌الاسلام میرمعزی با بیان این‌که نگاه سرمایه‌داری لیبرال که از عدم دخالت خداوند در این جهان سخن می‌گوید (دئیسم)، نگاه

تازه‌ای نیست، افزود: این نگاه متعلق به یهود بوده و در قرآن نیز آمده که یهود این‌گونه می‌گفتند که «قالت اليهود ید الله مغلوله غلت ایدیهم و لعنوا بما قالوا بل یداه مبسوطتان ینفق کیف یشاء؛ و یهود گفتند دست‌خدا بسته است دستهای خودشان بسته باد و به [سزای] آنچه گفتند از رحمت‌خدا دور شوند بلکه هر دو دست او گشاده است هر گونه بخواهد می‌بخشد.> (مائده/64)

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تصریح کرد: از دیدگاه قرآن خداوند نه تنها آفریننده و مالک جهان است؛ بلکه پرورش دهنده و نگه دارنده آن نیز به شمار می‌رود. او به همه ذرات هستی احاطه علمی و وجودی دارد و برپا دارنده همه چیز است.

وی اضافه کرد: اگر خداوند لحظه‌ای عنایت خود را از این جهان بردارد، این جهان به کلی نابود می‌شود، خداوند علت ایجاد و بقای جهان است. هدایت تکوینی همه موجودات و هدایت تشریعی انسان به دست اوست. او روزی آفریده‌ها را به وسیله اسباب مادی و غیر مادی تدبیر می‌کند. این تصویر از خداوند با تصویر معمار بازنشسته‌ای که لیبرالیسم از خدا ارائه می‌دهد، به کلی متفاوت است.

عضو شورای عالی الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت ادامه داد: یکی از آثار مهم این اختلاف آن است که در نظام اقتصاد سرمایه‌داری تنها به عوامل مادی توجه می‌شود و عوامل غیر مادی و الهی در حوزه اقتصاد جایی ندارد؛ در حالی که در نظام اقتصادی اسلام این عوامل از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

حاکمیت تقوا در جامعه، اسباب معنوی نزول باران

وی بیان کرد: برای نمونه در روایات ما نماز باران و استغفار عامل نزول باران رحمت الهی و رفع خشکسالی شمرده شده و پیامبر(ص) و امیر مؤمنان علی(ع) بارها برای رفع این پدیده نماز باران خوانده‌اند. مشهور است که مرحوم خوانساری در خشکسالی حدود 120 یا 130 سال پیش شهر قم با مردم قم نماز باران خوانده و باران رحمت الهی باریدن گرفته است و این مطلب بر سنگ قبر ایشان نیز نقش بسته است.

عضو شورای عالی الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت افزود: همچنین در برخی از آیات حاکمیت تقوا در جامعه سبب نزول برکات الهی و باز شدن درهای رحمت خداوند شمرده شده است؛ در حالی که نماز باران و حاکمیت تقوا در جامعه، اسباب مادی نزول باران نیست.